

متن پرسش

سلام استاد گرامی: با آرزوی سربلندی و عزت برای ایران اسلامی و رهبری انقلاب و آرزوی عزت و سربلندی برای حضرت عالی. نامه ی سرگشاده ای اخیراً منتشر شد متن اون رو میارم و تحلیل و نظر شما در این خصوص رو می خواستم ===== بسم الله الرحمن الرحيم محضر مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه‌ای، دامت برکاته با اهداء سلام به‌اختصار، مطالبی را در محضر ملت شریف ایران به استحضار عالی می‌رسانم، به امید آنکه در آن درنگ شود و مایه خیر ملت و کشور و جمهوری اسلامی باشد. آنچه از مسموعات و مشاهدات و مطالعه گزارش‌ها و تحلیل‌ها دریافت کرده‌ام آشکارا حاکی از آن است که آنچه در ذهن و زبان بسیاری از مردم و در زندگی آنان می‌گذرد زبینه نظامی نیست که با پرچم اسلام به دنیا معرفی می‌شود: در ذهن این مردم باورهایی که پشتوانه استحکام و نیز مقبولیت و مشروعیت نظام اسلامی بود به گونه‌ای روزافزون آسیب دیده و می‌بیند. بر زبان بسیاری از مردم در کوی و برزن و در برخی محافل و مجالس، سخنانی می‌رود که از عمق بی‌اعتقادی و بی‌اعتمادی نسبت به مدیریت کلان و مدیران کشور حکایت می‌کند. تورم روزافزون، همراه با کاهش درآمد اقشار گسترده، نه‌تنها زندگی امروز مردم را گرفتار دشواری‌های طاقت‌فرسا کرده که ناهنجاری در درون بسیاری از خانواده‌ها را گسترش داده و آنان را نگران آینده نامعلوم خود و فرزندان‌شان ساخته است. علاوه بر این مردم گرفتار در تلاطم زندگی و مشکلات طاقت‌سوز معیشتی، بسیاری از انسان‌های ناراضی از اوضاع فرهنگی و سیاسی که گرفتار بی‌عدالتی‌های غیرقابل‌انکار شده‌اند. البته هنوز کم نیستند کسانی که اصلاح امور و تغییر وضع نامطلوب کنونی را از عالی‌ترین جایگاه مدیریت کشور انتظار می‌کشند. در چشم این خیل عظیم، اوضاع غیرقابل‌دوام امروز صرفاً معلول تصمیمات مدیرانی که می‌آیند و می‌روند نیست (که البته این آمدن‌ها و رفتن‌ها هم خارج از چارچوب اراده عالی و حاکم بر کل مقدرات کشور نیست). از نگاه مردم، شیوه مدیریت در بالاترین سطح، و قدرت نافذ آن، نقش‌آفرین اصلی در تمام یا اکثر مهم‌امور کشور است. مردمی که چنین انتظاری دارند هرگز الزامات و محدودیت‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی (که البته چهل سال از آن گذشته است) و نیز کینه‌توزی دشمنان انقلاب، به‌ویژه آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی را نادیده نمی‌گیرند. همچنین آنان از پیامدهای دفاع مقدس غافل نیستند و به شهیدان و مجاهدان و نقش‌آفرینان آن حماسه ملی و اسلامی، که فرزندان همین ملت بودند، سپاس و درود بی‌پایان تقدیم می‌کنند. اما همین مردم بر این باورند که مدیریت کشور، به‌ویژه عالی‌ترین سطح آن، باید با ملاحظه همین مشکلات و چالش‌ها شیوه‌ای در مدیریت امور به کار می‌بست که امروز گرفتار این آشفتگی‌های

فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و ... نمی‌شدیم. اینجانب، با رعایت اختصار، مهم‌ترین مطلب از گفتنی‌های بسیار را که لازم می‌دانستم به عرض رساندم و بیش از این به ملت بزرگوار ایران و حضرت عالی تصدیع نمی‌دهم و تنها با یک کلام دیگر سخن را به پایان می‌برم: اگر شیوه‌ای که تاکنون به کار رفته است نتیجه محاسبات متعارف و براساس آراء و تحلیل‌های شناخته‌شده در حکمرانی است، پس هستند پرشمار صاحب‌نظرانی که حق دارند و باید مجاز باشند تا زبان و قلم به نقد بگشایند و درست و نادرست این روش را تذکر دهند و اصلاح آن را با تأکید درخواست کنند و نگران پیامدهای ناگوار بهره‌مندی از این حق طبیعی و الهی نباشند. اما اگر مبنای تصمیمات این چند دهه دانسته‌هایی از مبادی غیرمتعارف است که تنها در اختیار خواصی از بندگان خدای متعال است که بنده و امثال بنده هیچ حظی از آن نداریم و، در نتیجه، آنچه بر کشور و مردم و جمهوری اسلامی می‌گذرد سرنوشتی محتوم و گریزناپذیر است، پس همگان تسلیم امر محتوم و مشیت الهی خواهیم بود، ان‌شاءالله. از تصدیعی که دادم پوزش می‌خواهم و دوام عمر و سلامتی آن حضرت را از خداوند خواستارم. سید محمد موسوی خوئینی ۹۹/۴/۷

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر بنده این افراد نتوانسته‌اند جایگاه تاریخی و حضور تاریخی انقلاب اسلامی را متوجه شوند. جواب آقای محمد ایمانی در کیهان، جواب به جایی بود. گویا بنا بر آن است که آنچه را هم که دشمن بر سر انقلاب اسلامی آورده، رهبری باید جوابگو باشند. نظر جنابعالی را ذیلاً به یادداشت ویژه‌ی امروز روزنامه‌ی کیهان جلب می‌نمایم: موفق باشید

خانه تیمی یا شعبه ایرانی ستاد انتخاباتی ترامپ؟ (یادداشت روز)

تاریخ: ۰۸ تیر ۱۳۹۹

۱. فضای رسانه‌ای جدید در کنار همه سودمندی‌هایش، بی‌شبهت به بازار آهنگران نیست؛ پر سر و صدا. بازار تحلیل از هر قماش دایر است و گاه چنان‌که به قول معروف؛ «گنه کرد در بلخ آهنگری- به شوشتر زدند گردن مسگری». کسانی می‌گویند نباید نیت‌خوانی کرد. می‌گویند «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال». اما استناد نصف و نیمه، راه به خطا و مغالطه می‌برد. متن کلام امیرمومنان علیه‌السلام در کتاب شریف «عُررالحکم» چنین است: «خُذِ الْحِكْمَةَ حَيْثُ كَانَتْ وَ انْظُرْ اِلَيَّ مَا قَالِ وَ لَا تَنْظُرْ اِلَيَّ مَنْ قَالِ». حکمت را هر جا باشد، فرا گیر. و نگاه کن به آنچه گفته می‌شود، نه به گوینده سخن». یا: «خُذِ الْحِكْمَةَ مِمَّنْ اَتَاكَ بِهَا وَ انْظُرْ اِلَيَّ مَا قَالِ... حکمت را از هر کس که نزد تو آورد، بگیر و نگاه کن به گفته، نه گوینده سخن». حضرت می‌فرماید توقف در گوینده، مانع از گرفتن حکمت نشود. چنانکه فرمود «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ اَهْلِ النَّفَاقِ» (حکمت ۸۰ نهج البلاغه).

۲. اما حضرت هرگز نفرمود بر انگیزه گوینده چشم ببندید، بلکه بارها انگیزه منافقین را به چالش کشید. وقتی طلحه و زبیر، به خاطر اشرافیت طلبی شورش کردند، حضرت ساکت نشست. آنها با وجود مخالفت صریح امیرمومنان (ع)، خلیفه را کشتند، اما چند ماه بعد با عاملان بی‌عدالتی در دربار خلیفه ائتلاف کرده و خونخواه خلیفه شدند! امام در مقابل این فتنه‌انگیزی فرمود «انهم لیطلبون حقا هم ترکوه و دما هم سفکوه». شورشیان خوارج هم- که سران آن با معاویه بسته بودند- پس از آشکار شدن خسارت‌های حکمیت، مدعی «لا حکم الا لله» شدند که آیه قرآن بود. آنها خود، مذاکره و صلح را تحمیل کرده بودند و حالا می‌گفتند ما توبه کردیم، تو هم که حکمیت را پذیرفتی، باید توبه کنی! امام در اینجا هم فرمود «كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ». لا حکم الا لله، کلمه حقی است اما اراده باطل از آن دارند.

۳. تصور می‌شد برخی افراطیون مدعی اصلاحات، فقط به دموکرات‌های آمریکا سرویس می‌دهند. اما شواهد، حاکی از این است که آنها برای ستاد انتخاباتی ترامپ هم پادویی می‌کنند؟ سند اگر می‌خواهید، توییت یک بازداشتی فتنه ۸۸: «پرسش من به‌عنوان یک شهروند از رهبر کشور این است؛ با این همه فشار اقتصادی بر گرده مردم، دلار چند هزار تومان بشود، نرمش قهرمانانه موجه و مذاکره با آمریکا مجاز می‌شود؟». ترامپ نگون‌بخت، چهار ماه مانده به انتخابات، از همه طرف بد آورده است. غیراز ناکامی در عراق و سوریه، او در حوزه تدابیر اقتصادی و بهداشتی نیز در مقابل کرونا ضربه فنی شد و سرانجام، در برابر اعتراضات بی‌سابقه‌تر عاجز ماند. نظرسنجی‌ها شانس پیروزی دوباره ترامپ را ده درصد نشان می‌دهد. در این شرایط، او نیاز به برگ برنده‌ای مانند القای تسلیم ایران و قبول مذاکره با وجود لگدمال شدن برجام را دارد. مردم ما نوعا به این عبرت رسیده‌اند که مذاکره، چیزی جز خسارت نیست. حتی آقای روحانی، مذاکره دوباره را «دیوانگی» خواند. در چنین وضعیتی، وقتی عضو احزاب منحل مشارکت و سازمان مجاهدین، خواستار مذاکره دوباره می‌شود، آیا جز این است که برای ستاد انتخاباتی ترامپ کار می‌کند و می‌خواهد او را به هر قیمت در مسند نگه دارد؟ اگر این پالس، از طرف دوستانش در حزب اتحاد ملت و مجمع روحانیون نیست، چرا آنها این موضع وطن‌فروشانه را محکوم نمی‌کنند؟

۴. فرد دیگری که سوابق نظامی داشته اما به نشریات زنجیره‌ای سرویس می‌دهد، به روزنامه اعتماد گفته است «باید با ترامپ مذاکره می‌کردیم و پرچم مذاکره را از دست او می‌گرفتیم(!) سؤالی که طرف ایرانی باید روی میز مذاکره می‌گذاشت این بود که اگر به توافق رسیدیم، چه ضمانتی وجود دارد رئیس‌جمهور بعدی، رفتار شما را تکرار نکند و از توافقی که امضا می‌کنیم، خارج نشود؟». این در حالی است که امثال وی، اگر صداقت و درایت داشتند، تضمین را باید در برجام و از او باما می‌خواستند. نفر سوم داستان، عضو اولین تیم مذاکراتی روحانی بود و به جرم ارائه اطلاعات محکوم شد. او به روزنامه ایران می‌گوید «اوباما واقعا می‌خواست طبق تعهدات در برجام همه تحریم‌ها را بردارد. او کری را هم به‌عنوان بازاریاب برای ایران، به کشورها فرستاده بود. کری صبح تا شب با همه ملاقات می‌کرد و

می‌گفت با ایران کار کنید، ما شما را مجازات نمی‌کنیم... ما در تاریخ ۴۰ ساله گذشته، مانند اوباما نداشته‌ایم که به دنبال تعامل با ایران باشد. با وجود چنین شرایطی امکان مذاکره فراهم نشد... ایران در دوره اوباما فقط مجوز گفت‌وگو در موضوع هسته‌ای را به دیپلمات‌های خود داد. به همین دلیل وقوع هرگونه مذاکره در کوتاه‌مدت ممکن نخواهد بود». او هیچ وقت پاسخ نمی‌دهد که اگر توافق متقن بود، چرا ظریف دنبال گرفتن تضمین پس‌برجامی درباره مجازات نشدن شرکای تجاری ایران بود و هرگز موفق نشد؟ یا اینکه؛ امثال او چرا اصرار داشتند برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای را هم در مذاکره واگذار کنیم؟ آیا از پروژه تبدیل ایران به لیبی و عراق بی‌خبر بودند؟

۵. نفر چهارم داستان ما، دبیر مجمع روحانیون است. پنج‌شنبه گذشته بود که اکانت توئیتر وابسته به وزارت خارجه رژیم صهیونیستی نوشت «مردم ایران از شعارهای جمهوری اسلامی فاصله گرفته‌اند. در حالی که حکومت جمهوری اسلامی و مزدوران حقوق‌بگیر او مشغول به خیال‌پردازی هستند، خوشبختانه مردم ایران از شعارهای توخالی جمهوری اسلامی فاصله می‌گیرند». به دو روز نکشید که آقای خوئینی‌ها، همین ادعای اسرائیل را عیناً تکرار کرد! این اتفاق افتاد تا از یاد نبریم که دو روز قبل از حرمت‌شکنی فتنه‌گران در روز قدس (۲۷ شهریور ۸۸)، وزارت خارجه اسرائیل خواستار شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» در روز قدس شده بود! فتنه را خاتمی، موسوی و موسوی خوئینی‌ها مدیریت می‌کردند و هرگز از حمایت صهیونیست‌ها - که جنبش سبز را سرمایه بزرگ اسرائیل خواندند - برائت نجستند. ده روز بعد، رابرت گیتس (رئیس سیا و وزیر دفاع در دولت‌های بوش و اوباما) با اشاره به ساختار شکنی روز قدس، به CNN گفت «به دلیل شکاف‌های عمیق در ایران، تحریم اثرگذارتر از گذشته است. ما شکاف‌هایی را شاهدیم که در ۳۰ سال گذشته بی‌سابقه است. مخالفان به جای پیگیری رای خود، سیاست‌های کلان حاکمیت را هدف گرفته‌اند.» روایت سه هفته بعد روزنامه لس‌آنجلس تایمز، حکایتی جدا و خارج از حوصله این یادداشت است که نوشت نمایندگان سران جنبش سبز از مقامات آمریکایی خواسته‌اند تحریم‌های فلج‌کننده را علیه ایران اعمال کند. چرا برخی تحرکات برخی مدعیان اصلاح‌طلبی، تا این حد هماهنگ با راهبرد آمریکا و اسرائیل یا تسهیل‌کننده آن بوده است؟ چه کسانی شعار صهیونیستی «نه غزه، نه لبنان» را در دهان مدعیان اصلاحات گذاشتند؟ و چرا برخی از همین‌ها (از جمله نفر اول داستان ما) بعداً دوشادوش داعش، اسرائیل و آمریکا، مدافعان حرم را که فرمانده آن سردار سلیمانی بود، کوبیدند؟ آیا تودهنی بزرگ مردم در روز تشییع سردار سلیمانی کافی نبود که دم از فاصله گرفتن مردم از نظام می‌زنند؟

۶. کسی که مشکلات اقتصادی را بهانه عقده‌گشایی نیابتی علیه نظام می‌کند، اگر صداقت داشت، باید رئیس شورای مرکزی مجمع روحانیون (خاتمی) و شورای سیاست‌گذاری منتسب به او را خطاب قرار می‌داد؛ که با کلیشه «تکرار می‌کنم»، لقمه‌های مسموم انتخاباتی را سر سفره مردم گذاشت و شریک اصلی برخی سوءعملکردهای اجرایی و پارلمانی است. و برادر خاتمی بود که گفت «اصلاح‌طلبان، تضمین وعده‌های روحانی هستند». چرا نمی‌پرسند ۱۸ میلیارد دلار ارز جهانگیری و ۲۷ میلیارد دلار ارز

تخصیص یافته به نام صادرات (۴۵ میلیارد دلار)، کجا رفته که کشور باید گرفتار بحران مصنوعی ارز باشد و آقای «نشستی بشکه» (نفر اول داستان ما) بگوید «دلار چند هزار تومان بشود، نرمش قهرمانانه موجه و مذاکره با آمریکا مجاز می‌شود؟!»

۷. مگر در خانه‌های تیمی دائماً همدیگر را نمی‌بینند؟ بپرسند فلانی! تو با بهمان دستیار ارشد دولتی و محکوم شده در پرونده ارتشاء، چه پیوندی داری که وقتی خرداد ۹۵ از زندان آزاد شدی، بلافاصله به همراه برخی عناصر گروهکی به ملاقات تو آمد؟ خبر نداشتی که او کار چاق‌کن دانیال‌زاده (با چهار هزار میلیارد تومان بدهی) است و رئیس بانک جابه‌جا می‌کند تا او مجبور نباشد پول‌ها را برگرداند؟ در این خانه‌های تیمی چند نفر بی‌خبر بودند که دانیال‌زاده و نجفی و... سرمایه‌گذار ستاد انتخاباتی آنها هستند و خون مردم را در شیشه کرده‌اند؟ خبر ندارند چه کسانی هفت سال به مسکن مهر پوزخند زدند تا قیمت مسکن چهار برابر شد؛ چه کسانی ارز ۴۲۰۰ تومانی دادند و گرفتند؛ کدام مدیران اجازه واردات قاچاق خودروهای لوکس را از مجاری رسمی وزارت صمت دادند؛ کدام مدیران، حقوق و پاداش‌های چند ده تا چند صد میلیون تومانی گرفتند؛ و کدام‌ها، سازمان خصوصی‌سازی را تبدیل به سرگردنه غارت شرکت‌های دولتی کردند؟ با این همه خیانت، منتظر چیزی جز افزایش ضریب جینی (شکاف طبقاتی)، رکود تورمی، رکورد تورم ۵۲ درصدی، ۳۶ پله کاهش رشد اقتصادی و تعطیلی برخی کارخانه‌ها بودند؟!

۸. با این مقدمات، می‌توان فهمید که چرا برخی محافل امنیتی و سیاسی غرب، از قاطعیت قوه قضائیه در مبارزه با فساد دانه‌درشت‌ها و روی کار آمدن مجلسی باترکیب انقلابی ابراز نگرانی می‌کنند، یا تلاش پرحجمی را برای مخدوش نمایاندن روند احیای آرمان‌های انقلاب سازماندهی کرده‌اند. آخرین بار روزنامه انگلیسی گاردین نوشت «دیپلمات‌های اروپایی نگران انتخابات سال آینده ریاست‌جمهوری و چشم‌انداز سیاسی ایران هستند... آنها معتقدند وضعیت بر خلاف پنج سال قبل پیش می‌رود. نگرانی دیپلمات‌های اروپایی این است که قدرت جریان‌های مخالف غرب، پس از انتخابات مجلس در حال تقویت است. اگرچه میانه‌روها تضعیف شده، اما کاملاً از ساختار قدرت حذف نشده‌اند... اصولگرایان به‌طور فزاینده بر این باورند که رشد آینده ایران نه در دیپلماسی با غرب، بلکه اتکای بیشتر به توانمندی خود است.»

محمد ایمانی